

جبران خسارات نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی: منطق فازی حقوق فرائسه یا سازوکاری خارج از مسئولیت مدنی

امید محمودی قهساره**

دکتر علیرضا یزدانیان*

چکیده

رشد روزافزون شرکت‌های فراملی و تأثیرات عمیق آن‌ها بر زندگی جامعه بشری، نیازمند نظام حقوقی متناسب با آن است. در این خصوص، موضوع جبران خسارت ناشی از نقض حقوق بشر توسط این شرکت‌ها، یکی از چالش‌های جدی در نظام حقوقی بین‌المللی و داخلی است. در صورتی که هنوز چارچوب حقوقی الزام‌آوری در حقوق بین‌الملل برای مسئولیت این شرکت‌ها تعریف نشده است، در نظام‌های داخلی نیز، به دلیل ساختار پیچیده و فراملی این شرکت‌ها، چالش‌ها و موانع جدی در برقراری مسئولیت مدنی برای خسارت‌های ناشی از فعالیت این شرکت‌ها وجود دارد. هدف این مقاله، بنابراین، دستیابی به سازوکاری است که بتواند به جبران خسارت موثر از شرکت‌های فراملی منتج بشود. در این خصوص، این مقاله مدعی است که با طرح روش‌شناسی نوآورانه می‌توان به این مهم دست یافت. بررسی ناسازگاری موجود میان ارکان سنتی مسئولیت مدنی با ساختارهای پیچیده شرکت‌های فراملی، نشان می‌دهد که گسترش دامنه ارکان سنتی مسئولیت مدنی در یک منطق فازی و دور از تکنیک‌های حقوق تعهدها شاید بتواند نظام مسئولیت مدنی را برای نیازهای عصر جدید در ارتباط با شرکت‌های فراملی سازگار سازد. همچنین یک نظام جبران خسارت ویژه و فراتر از مسئولیت مدنی کلاسیک ممکن است بتواند در این خصوص موثر واقع شود.

dr.alireza_yazdanian@yahoo.com

* دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول.

** دانشجوی دکتری دانشگاه پاریس ۱ پانتئون-سوربن.

واژگان کلیدی: حق جبران خسارت، حقوق بشر، شرکت‌های فراملی، مسئولیت مدنی، منطق فازی.

سرآغاز

شرکت‌های فراملی به‌عنوان مهم‌ترین جلوه ظهور جهانی شدن، جایگاه ویژه و گسترده‌ای در زندگی روزمره بشر پیدا کرده‌اند که تقریباً بر همه ابعاد متفاوت زندگی انسانی تأثیر می‌گذارند. این تأثیرات که تا جایی به بهبود زندگی بشر کمک کرده است، در بخش‌هایی نیز منجر به ایراد خسارت به جامعه انسانی و نقض حقوق بنیادین بشری می‌شود. شرکت‌های فراملی این توانایی را دارند که بر تعداد زیادی از افراد در یک گستره‌ی زیاد خسارت وارد کنند. نمونه آن را می‌توان در مورد شرکت کربید^۱ در هند مشاهده کرد که نشت گاز این شرکت در سال ۱۹۸۴ منجر به کشته شدن ۱۵ هزار نفر و معلول شدن ۱۷۰ هزار نفر شد (Weissbrodt, 2017: 56). از طرف دیگر، در سال‌های اخیر شاهد رشد بی‌سابقه شرکت‌های فراملی بوده‌ایم؛ به صورتی که درآمد برخی از این شرکت‌ها حتی از درآمد برخی کشورها هم بیشتر است (Global Justice Now, 2016: 1).^۲ نقش و جایگاه شرکت‌های فراملی در اقتصاد ملی و بین‌المللی و تأثیر آن‌ها بر حقوق بشر غیرقابل‌انکار است، زیرا این شرکت‌ها ظرفیت لازم را برای تأثیرگذاری مستقیم و طولانی‌مدت بر زندگی بشر دارند (Nolan, 2016: 2-3).

مسئولیت شرکت‌های فراملی در نقض حقوق بشر، از موضوع‌هایی است که خصوصاً در دهه‌های اخیر مورد توجه نهادهای حقوقی داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است. در این خصوص موضوع جبران خسارت یکی از سه محور اصلی مرتبط با مسئولیت شرکت‌ها در این رابطه مطرح شده است (OHCHR, 2011: 27). اهمیت جبران خسارت از نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی، به این مطلب برمی‌گردد

1. Carbide

۲. طی گزارشی عنوان شده است که از ۱۰۰ اقتصاد بزرگ جهانی، ۶۹ شرکت و فقط ۳۱ مورد از آن‌ها دولت‌ها هستند (Global Justice Now, 2016: 1).

که شرکت‌های فراملی می‌توانند به صورت کلی و به خصوص در رابطه با شرکای تجاری و یا پرسنل خود موجب ایراد خسارت و در نتیجه متعهد به پرداخت خسارت شوند، ولی خسارت شرکت‌ها در این موارد عموماً به صورت مشخص و همانند خسارت ایجادشده توسط اشخاص حقوقی در جریان فعالیت‌هایشان است که جبران آن نیز به صورت معمول در قالب‌های حقوقی تعریف شده صورت می‌گیرد. با این حال شرکت‌های فراملی، به دلیل گستره فعالیت‌هایشان، بر افراد و جامعه و حتی محیطی که در آن فعالیت می‌کنند نیز می‌توانند تأثیرات منفی و مخرب داشته باشند که در نظام حقوقی بین‌المللی از آن به عنوان دامنه نفوذ شرکت‌ها یاد می‌شود که شامل محل کار، زنجیره تأمین، بازار، جامعه و دولت می‌شود (Human Rights Council, 2008: 5-25). لذا آنچه مورد توجه این مقاله است، جبران خسارت ناشی از نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی است و همان‌طور که در این مقاله بیان شده است، جبران این نوع خسارت‌ها به دلیل غیرمستقیم و مبهم بودن نوع خسارت، فعل زیان‌بار و همچنین پیچیدگی‌های ساختاری شرکت‌های فراملی، در چارچوب سنتی مسئولیت مدنی با چالش‌های جدی روبرو است.

در سال‌های اخیر، جبران خسارات ناشی از افعال زیان‌بار شرکت‌های فراملی به عنوان یک چالش جدی حقوقی هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح داخلی مطرح شده است (صالحی مازندرانی، ذاکری‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۴۷). از یک سو، با وجود فعالیت‌های فرامرزی شرکت‌های فراملی و ماهیت بین‌المللی آن‌ها، هنوز چارچوب حقوقی الزام‌آوری در حقوق بین‌الملل برای مسئولیت این شرکت‌ها تعریف نشده است. در حقیقت، با وجود تلاش‌های فراوانی که در سال‌های اخیر درباره این موضوع در چارچوب حقوقی بین‌المللی صورت گرفته، ولی هنوز هیچ تعهد حقوقی مستقیمی در حقوق بین‌الملل برای این نوع شرکت‌ها ایجاد نشده است. از طرف دیگر، به دلیل ساختار پیچیده و فراملی این شرکت‌ها، چالش‌ها و موانع جدی در برقراری مسئولیت مدنی در نظام داخلی برای خسارت‌های ایجادشده توسط این شرکت‌ها در نقض حقوق

بشر وجود دارد. بر همین اساس، این مقاله تلاش می‌کند تا با بررسی ناسازگاری موجود میان ارکان سنتی مسئولیت مدنی با ساختارهای پیچیده‌ی شرکت‌های فراملی، به این پرسش پاسخ دهد که در نهایت جبران خسارت ناشی از شرکت‌های فراملی به چه صورتی قابل حل خواهد بود. آیا گسترش دامنه مسئولیت مدنی در یک منطق فازی که برخی متمایل به طرح آن هستند، می‌تواند نظام مسئولیت مدنی را در ارتباط با شرکت‌های فراملی سازگار سازد و یا باید به دنبال به یک نظام جبران خسارت فراتر از مسئولیت مدنی بود؟

اگرچه مباحث مطرح شده در این مقاله، به‌خصوص در موضوع‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی در نقض حقوق بشر، مسئولیت دولت‌ها در این خصوص، مسئولیت فرامنطقه‌ای دولت‌های مادر و مواردی از این دست، خود نیازمند بررسی عمیق‌تر در مقالات جداگانه است، با این وجود، در این مقاله تلاش شده است تا تمرکز اصلی ابتدا بر روی طرح مسئله چالش‌های نظام کلاسیک مسئولیت مدنی در مواجهه با شرکت‌های فراملی باشد و سپس راه‌حلی‌هایی پیرامون آن ارائه شود.

۱. ناسازگاری مسئولیت مدنی در جبران خسارت ناشی از شرکت‌های فراملی

چارچوب مسئولیت مدنی اساساً و به صورت سنتی برای روابط میان اشخاص به وجود آمده و بهره‌مندی از آن برای جبران خسارت از افعال زیان‌بار شرکت‌های فراملی با چالش‌ها و موانع جدی روبرو است. در حقیقت ساختارهای پیچیده و نوظهور شرکت‌های فراملی به صورت طبیعی نمی‌توانند با نظام سنتی مسئولیت مدنی سازگاری قابل قبولی داشته باشند. از طرف دیگر، فرد انسانی آسیب‌پذیر در برابر شرکت‌هایی قرار می‌گیرد که قدرت، نفوذ، دامنه و گستره فعالیت آن‌ها از بسیاری از کشورهای درحال توسعه نیز فراتر است و لذا جبران خسارت ناشی از نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی، نه تنها یک چالش برای زیان‌دیده که می‌تواند یک تهدید برای آینده جامعه بشری محسوب بشود.

در حقوق داخلی، جبران خسارت با قواعد مسئولیت مدنی است و به منظور آنکه مسئولیت مدنی محقق شود می‌بایست تمامی ارکان مورد نیاز آن وجود داشته باشد که عبارت است از ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت بین عمل زیان‌بار و ضرر (باریکلو، ۱۳۸۵: ۶۰). این سه شرط شروط ثابت مسئولیت هستند، زیرا وجود آن‌ها در هر حال برای تحقق مسئولیت ضرورت دارد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۷۲)، ولی تحقق هر سه رکن مسئولیت مدنی در ارتباط با شرکت‌های فراملی با چالش‌های جدی روبرو است. در حقیقت، پیچیدگی‌های ساختاری این شرکت‌ها، موجب سردرگمی جدی در یافتن ارکان اساسی مسئولیت مدنی می‌شود.^۱

در اینجا لازم است این مطلب نیز بیان شود که اگرچه ممکن است مطرح بشود که ناسازگاری ساختار کلاسیک مسئولیت مدنی با جبران خسارت از شرکت‌های فراملی، مرتبط با قدرت اثبات آن است، به این معنا که فرد قربانی نقض حقوق بشر برای اثبات آن با چالش‌های جدی همراه است، به خصوص بدلیل پیچیدگی و حجم زیاد فعالیت‌های این نوع شرکت‌ها، با این وجود، مسئله اصلی در تحقق مسئولیت مدنی است. همان‌طور که مطرح شد، تحقق مسئولیت مدنی نیازمند وجود سه رکن اصلی آن اعم از ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت است که در مورد بخش اعظمی از تأثیرات منفی شرکت‌های فراملی، عموماً به دلیل مبهم و غیرمستقیم بودن ضرر، فعل زیان‌بار و پیچیدگی روابط شرکت‌ها، تحقق این موارد بر طبق معیارهای مسئولیت کلاسیک

۱. در روابط میان اشخاص، افعال در یک چارچوب مشخص و محدودی صورت می‌گیرند که مثلاً فعل از نقطه الف شروع و در نقطه ب یا نهایتاً نقطه ج ایراد خسارت می‌کند. در مورد شرکت‌های فراملی، یک خسارت ممکن است در نتیجه مجموعه فعالیت‌های درهم‌تنیده‌ای باشد که از نقطه الف شروع و تا نقاط بسیار دیگری گسترش یابد و عوامل، افعال و اسباب بسیاری را در آن درگیر کند. علاوه بر آن گستردگی یک فعل انسانی عموماً محدود به یک خسارت مشخص است، در صورتی که خسارات ناشی از فعالیت یک شرکت فراملی ممکن است بر تعداد زیادی از افراد یک جامعه، در یک گستره وسیع و در یک بازه زمانی نامشخص آسیب وارد کند.

صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین و بر اساس معیارهای کلاسیک، اساساً مسئولیتی متصور نیست که نیاز به اثبات داشته باشد و یا از طرق دیگر جبران شود.

۱-۱. ضرر قابل مطالبه و گستره فعالیت شرکت‌های فراملی

هدف از قواعد مسئولیت مدنی، جبران ضرر است و باید ضرری به بار آید تا برای جبران آن، مسئولیت طرح شود. پس باید وجود ضرر را رکن اصلی مسئولیت مدنی شمرد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴۲ و ۲۴۳). آنچه در این خصوص قابل توجه است این موضوع است که هر ضرری قابل مطالبه نیست؛ به عبارت دیگر ضرر در صورتی قابل مطالبه است که مسلم، مستقیم، مشروع، شخصی، جبران‌نشد و قابل پیش‌بینی بوده و ناشی از فعل زیان‌دیده نباشد (همان، ۲۷۷ و ۲۷۸). بر این اساس در صورتی می‌توان از شرکت‌های فراملی درخواست جبران خسارت کرد که ضرری وارد کرده باشند که حائز شرایط تعریف‌شده برای آن اعم از مسلم و مستقیم باشد.

این موضوع در مورد شرکت‌های فراملی قابل تأمل است، زیرا فعالیت‌های شرکت‌های فراملی حجم متنوع و گسترده‌ای از موارد را در برمی‌گیرد که تأثیرات منفی مستقیم و غیرمستقیم بر بخش زیادی از جامعه دارد. در این تعریف تنها می‌توان آن بخشی از تأثیرات منفی یا خسارات این شرکت‌ها بر افراد را ضرر قابل مطالبه حساب کرد که علی‌الخصوص مستقیم و مسلم باشد؛ به عبارت دیگر سایر ضررهای غیرمستقیم و همچنین ضررهای غیرمسلم شامل آن نمی‌شود. اهمیت این موضوع در این خصوص است که شبکه گسترده فعالیت شرکت‌های فراملی که از طریق شرکت‌های فرعی و زنجیره‌ای از افراد و سازمان‌ها صورت می‌گیرد و همچنین تأثیرات مخرب فعالیت‌های متنوع این شرکت‌ها که عموماً بر جمعیت گسترده‌ای از افراد است، موضوع پیدا کردن ضرر مستقیم و مسلم را با چالش جدی روبرو می‌کند.

موضوع خسارت در مورد روابط میان افراد به این پیچیدگی نیست، زیرا عموماً فرد انسانی در یک دامنه محدود و مشخصی می‌تواند ایجاد ضرر کند، در صورتی که برای

شرکت‌های فراملی این دامنه محدود و مشخص وجود ندارد و ظرفیت آن‌ها در ایجاد ضرر و خسارت می‌تواند بسیار گسترده‌تر باشد. به‌عنوان مثال در صورتی که فردی موجب ایراد خسارت به اموال دیگری می‌شود، در چارچوب مسئولیت مدنی در اکثر موارد به راحتی می‌توان ضرر مسلم و مستقیم را مشخص کرد ولی در خصوص یک شرکت فراملی که در زمینه خاصی مانند استخراج نفت فعالیت می‌کند، مجموعه فعالیت‌های این شرکت می‌تواند آثار منفی و مخرب متفاوتی بر زندگی افراد آن منطقه بگذارد. آثاری که ممکن است در بلندمدت ظاهر شوند و لذا اثبات مستقیم و مسلم بودن آن امکان‌پذیر نباشد. در این مثال، آلودگی‌های زیست‌محیطی که در هوا یا آب یا زمین آن منطقه، ممکن است در طول سالیان و حتی سال‌ها پس از اتمام فعالیت شرکت فراملی بروز کنند، می‌تواند تا نسل‌ها، جمعیت ساکن منطقه را با آسیب‌های جدی روبرو کند که از نمونه‌های جدی آن می‌توان به نشت نفت در دلتای نیجریه توسط شرکت رویال داچ شل^۱ اشاره کرد (Wijesinghe, 2017: 2).

۱-۲. فعل زیان‌بار مشخص و پیچیدگی ساختاری شرکت‌های فراملی

یک رکن دیگر مسئولیت مدنی ارتکاب فعل زیان‌بار است. این فعل باید در نظر اجتماع ناهنجار باشد و نیز در قانون برای آن مجوزی قرار داده نشده باشد. فعل زیان‌بار ممکن است فعل یا ترک فعل باشد (دالوند، ۱۳۸۶: ۲۱ و ۲۲). علاوه بر ضرر، پیچیدگی ساختاری شرکت‌های فراملی، موجب می‌شود که در مورد فعل زیان‌بار هم چالش‌های جدی مطرح شود. به صورت کلی، در حقوق مسئولیت مدنی، مسئول شخصی است که فعل زیان‌بار انجام داده است و حتماً می‌بایست فعل زیان‌باری صورت گرفته باشد تا بتوان مرتکب آن را مسئول جبران خسارت دانست. بر مبنای این فعل، مسئولیت مدنی شامل مسئولیت ناشی از «فعل شخصی»، «فعل غیر» و «فعل اشیاء» است، همچنین

منظور از فعل اعم از «فعل مثبت یا ایجابی» یا «فعل منفی یا سلبی» است (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۲۳۶ و ۲۳۷).

آنچه در مورد فعل زیان‌بار در خصوص شرکت‌های فراملی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، این مطلب است که دامنه فعالیت این شرکت‌ها بسیار گسترده است، انواع مختلفی از افعال را در برمی‌گیرد و بر زندگی حجم گسترده‌ای از افراد تأثیر می‌گذارد و لذا تعیین فعل زیان‌بار در خصوص شرکت‌های فراملی پیچیدگی‌های بیشتری دارد. در این خصوص، تنها اعمال مستقیم خود شرکت‌ها در قالب «فعل شخصی» موجب مسئولیت جبران خسارت نیستند و دامنه گسترده فعالیت آن‌ها، می‌تواند تمامی افعالی را که منجر به خسارت بشوند، در برگیرد. در این خصوص، حتی در مورد افعالی که در حقوق مسئولیت مدنی مورد بحث است مانند فعل اشیاء یا فعل ایجابی غیرمباشرتی و یا فعل سلبی (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۲۵۲-۲۵۶)، در مورد فعالیت شرکت‌ها مصداق بارز دارد. به‌عنوان مثال در مورد فعل اشیاء که ناظر به خسارات ناشی از اشیاء تحت مراقبت افراد است (یزدانیان، ۱۳۹۶: ۳۸۰)، شرکت‌ها مسئول هر نوع خسارتی هستند که در نتیجه محصولاتشان به مصرف‌کنندگان وارد می‌شود. این خسارت می‌تواند دامنه گسترده‌ای اعم از صدمه به سلامت فردی و یا همچنین خسارات روانی باشد. همچنین در مورد فعل ایجابی غیرمباشرتی که به صورت تسبیب منجر به ایراد خسارت می‌شود (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۲۵۳)، شرکت‌ها، زنجیره گسترده‌ای از فعالیت‌های به هم پیوسته دارند که امکان تسبیب در ایجاد خسارت را به وجود می‌آورد. از طرف دیگر در مورد افعال سلبی (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۲۵۳) نیز، شرکت‌ها ملزم به رعایت موارد ایمنی بسیاری هستند که اهمال و بی‌مبالاتی در مورد آن‌ها می‌تواند منجر به ایراد خسارت بشود.

آنچه موجب ابهام و پیچیدگی در مورد افعال زیان‌بار شرکت‌ها می‌شود، توجه به این مطلب است که در حالت معمول، افعال زیان‌بار منتسب به افراد قابل شناسایی هستند و حدود آن عموماً مشخص است. به‌عنوان مثال در موردی که فردی موجب ایراد خسارت به وسیله نقلیه دیگری شده است، مشخص کردن فعل زیان‌بار کار آسانی

است، ولی در مورد شرکت‌های فراملی، گستره فعالیت آن‌ها می‌تواند سردرگمی جدی در شناسایی افعال آن‌ها و زیان‌بار بودن آن ایجاد کند؛ به عبارت دیگر، در صورتی که خسارتی ایجاد شود، اینکه کدام فعل شرکت موجب خسارت شده است، می‌تواند به آسانی قابل تشخیص نباشد. به‌عنوان مثال در مورد یک شرکتی که در زمینه شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کند و انتشار یک خبر جعلی در آن موجب ایراد خسارت به فرد یا افرادی در یک جامعه شده است، اینکه خسارت، در نتیجه کدام افعال منتسب به شرکت اعم از فعل سلبی شرکت در عدم جلوگیری از انتشار خبر، فعل شخصی در فراهم کردن امکان انتشار خبر، فعل اشیا در تولید محصول رسانه اجتماعی با پیچیدگی‌های جدی حقوقی همراه است. در موارد دیگر حتی ممکن است نتوان برای خسارت ایجادشده به افعال خاصی از شرکت اشاره کرد و تنها موضوع مشخص این است که خسارت ناشی از فعالیت عمومی شرکت بوده است.

یک نمونه اخیر آن در فعالیت شرکت‌های مد لباس بروز کرد که موجب تغییر سبک زندگی جوانان علاقه‌مند به حوزه مدلینگ در لاغری بیش از اندازه و مشکلات رشد و سوءتغذیه در این افراد شد که این موضوع را به یک چالش جدی سلامتی برای آن‌ها تبدیل کرد. (Record, Austin, 2016 : 205-206). در اینجا، این فرض وجود دارد که شرکت مد بتواند، با استدلال اینکه هیچ‌کدام از افعال شرکت زیان‌بار نبوده است، خود را از مسئولیت مبری کند. در واقع مسئله این است که تعریف فعل در مورد یک شرکت فراملی می‌تواند ماهیت متفاوتی داشته باشد و حتی ممکن است بتوان عنوان کرد، سیاست‌گذاری‌های عمومی یک شرکت که برای آن ماهیت وجودی دارد به صورت عمومی موجب خسارت شده است. علاوه بر این، فعل زیان‌بار به صورت سنتی باید تقصیرآمیز باشد که بار اثبات آن نیز بر عهده زیان‌دیده است. در حقیقت، بر طبق قول مشهور حقوقدانان، در نظام حقوقی کنونی داخلی، مبنای تقصیر پذیرفته شده که یک قاعده عام است که بیشتر موارد مسئولیت مدنی را در برمی‌گیرد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۸۴)، این امر، موضوع برقراری مسئولیت مدنی برای شرکت‌های فراملی را با

چالش جدی‌تری روبرو می‌کند که حتی در صورت مشخص بودن فعل زیان‌بار، اکنون می‌بایست تقصیر را نیز در آن ساختار پیچیده اثبات کرد.^۱

۱-۳. رابطه سببیت

دیگر رکن مسئولیت مدنی رابطه سببیت است. در اصطلاح، سبب و مسبب به اموری گفته شده که رابطه وجودی و عدمی بین آنهاست. سببیت نوعی ملازمه وجودی و عدمی بین دو امری است (دراب پور، ۱۳۸۷: ۱۴۷). برای تحقق مسئولیت باید احراز شود که بین ضرر و فعل زیان‌بار رابطه سببیت وجود دارد، یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده باشد؛ به عبارت دیگر برای اینکه حادثه‌ای سبب محسوب شود باید آن حادثه در زمره شرایط ضروری تحقق ضرر باشد یعنی احراز شود که بدون آن، ضرر واقع نمی‌شد (دالوند، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۴).

در مورد شرکت‌های فراملی آنچه مورد توجه است این موضوع است که ساختار پیچیده و درهم‌تنیده این شرکت‌ها و همچنین زنجیره تأمین آن، می‌تواند پیدا کردن سبب را بین فعل زیان‌بار و ضرر با مشکل و ابهام جدی روبرو کند. شرکت‌های فراملی در یک شبکه پیچیده و درهم‌تنیده فعالیت می‌کنند که باعث می‌شود علل متفاوت و متعددی در اعمال آنها دخالت داشته باشد. هنگامی که یک خسارتی به وجود می‌آید، تعیین این موضوع که کدام سبب موجب بروز خسارت شده، با چالش جدی روبرو است. به عنوان مثال در صورتی که یک محصول دارویی منجر به آسیب به کودکان بشود، این آسیب ممکن است در نتیجه کیفیت محصول باشد. از طرف دیگر ممکن است شرکت واردکننده دارو که شرکت فرعی شرکت مادر است در فرآیند واردات محصول، استانداردهای لازم را برای نگهداری محصول رعایت نکرده باشد. از طرف دیگر ممکن است شرکت توزیع‌کننده که طرف قرارداد با شرکت مادر است، طریقه مصرف دارو را به درستی به

۱. البته در مواردی، مسئولیت بدون تقصیر در قوانین پذیرفته شده که استثنا بر قاعده مذکور است (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۱: ۸۴ و کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۲۲-۲۲۳).

مصرف‌کننده اطلاع نداده باشد. همچنین این احتمال نیز وجود دارد که دارو برای کودکان کشور خاصی تهیه شده است که در دیگر کشورها ممکن است به دلیل تغییر شرایط جغرافیایی عوارض جانبی داشته باشد؛ بنابراین در این مثال، در صورتی که محصول تولیدی شرکت در قالب «فعل شیء» یا «محصولات معیوب» می‌بایست منجر به مسئولیت شرکت فراملی در جبران خسارت کودکان زیان‌دیده بشود ولی پیچیدگی فرآیند فعالیت این شرکت‌ها منجر به سردرگمی در یافتن رابطه سببیت می‌شود که ممکن است باعث بشود، برقراری مسئولیت مدنی برای این شرکت ممکن نشود. در نتیجه، ساختار سنتی مسئولیت مدنی در لزوم رابطه سببیت مشخص میان فعل زیان‌بار و ضرر با ساختار پیچیده شرکت‌های فراملی سازگاری ندارد.

۲. مسئولیت بین‌المللی و ضرورت جبران خسارت در نظام‌های داخلی

شاید در پاسخ به چالش‌های موجود شرکت‌های فراملی با ساختار سنتی مسئولیت مدنی در نظام داخلی، این مسئله مطرح شود که اساساً طرح مسئولیت جبران خسارت در مورد شرکت‌های فراملی در نظام‌های داخلی غلط است و مسئولیت این شرکت‌ها اصولاً می‌بایست در نظام حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، در صورت نقض حقوق بشر و ایراد خسارت به افراد توسط افعال زیان‌بار این شرکت‌ها، مسئولیت آن‌ها در نظام بین‌المللی تعریف و جبران خسارت نیز از طریق سازوکارهای بین‌المللی فراهم می‌شود.

استدلال‌های منطقی این دیدگاه از یک منظر می‌تواند قابل توجیه باشد، زیرا از یک طرف، شرکت‌های فراملی ماهیت فرامنطقه‌ای دارند و فعالیت‌های آن‌ها در سطح بین‌المللی صورت می‌گیرد و اساساً آن‌ها با نظام‌های حقوقی متعددی اعم از کشور مادر این شرکت‌ها، کشور میزبان و کشورهای که در آن‌ها شعب و مراکز متفاوت دارند، در ارتباط هستند؛ بنابراین، به‌طور مثال، در صورت ایراد خسارت به افراد در یک کشور، عوامل و اسباب و افعال آن را ممکن است بتوان در یک زنجیره بین‌المللی دنبال کرد. از

طرف دیگر، شرکت‌های فراملی به دلیل گستره فعالیت و تأثیرگذاری قابل توجه اقتصادی آن‌ها در کشور میزبان، ارتباط مستحکمی با دولت کشور میزبان دارند و ورود آن‌ها برای فعالیت در یک کشور بر اساس سیاست‌گذاری‌های کلان یک کشور و قراردادهای دوجانبه یا چندجانبه میان شرکت فراملی و دولت میزبان و یا میان دولت مادر و دولت میزبان صورت می‌گیرد و لذا پای حقوق بین‌الملل در مسئولیت دولت‌ها در این خصوص باز می‌شود (Lustig, 2020: 220-227). همچنین نظام حقوق بین‌الملل بشر در حمایت از افراد در دهه‌های اخیر مسیر رو به رشد مهمی داشته است و امروزه جایگاه مهمی در نظام بین‌المللی دارد که ظرفیت‌های قابل توجهی در حمایت از افراد در برابر آسیب دارد (Shelton, 2015: 2). در نتیجه، این استدلال که اساساً مسئولیت شرکت‌های فراملی در جبران خسارت نقض حقوق بشر می‌بایست در سطح بین‌المللی صورت بگیرد، پر بیراه نیست.

در این خصوص، در سال‌های اخیر، تلاش‌های مهمی در عرصه‌ی بین‌المللی در خصوص مسئولیت شرکت‌های فراملی صورت گرفته است که از مهم‌ترین این اقدام‌ها، تصویب «چارچوب حمایت، احترام و جبران خسارت»^۱ در ژوئن ۲۰۰۸ در شورای حقوق بشر بود که توسط نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل^۲، بعد از سه سال پژوهش‌های وسیع و مشاوره با دولت‌ها، شرکت‌ها و جوامع مدنی در سراسر جهان فراهم شد (Bittle, Snider, 2013: 180). نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد، در نهایت کار خود را با ارائه گزارش دیگری با عنوان «اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر، پیاده‌سازی سند سازمان ملل متحد در حمایت، احترام و جبران خسارت» در سال ۲۰۱۱ تکمیل کرد.^۳ اهمیت این سند اخیر تا جایی است که از آن به‌عنوان اعلامیه

1. Protect, respect and remedy: a framework for business and human rights: report of the Special Representative of the Secretary-General on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises.

2. John RUGGIE

3. Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations 'Protect, Respect and Remedy' Framework.

جهانی حقوق بشر برای تجارت نام برده شده است (Surya, Bilchitz, 2013: 78). نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در این دو سند به بیان چارچوب مسئولیت شرکت‌ها در احترام به حقوق بشر پرداخته است. بر این اساس شرکت‌ها مسئولیت دارند تا به حقوق بشر احترام بگذارند.

با این حال، تمامی تلاش‌های صورت گرفته در نظام بین‌المللی، در حقوق نرم و در چارچوب قواعد غیرالزام‌آور صورت گرفته و تاکنون نظام بین‌المللی هیچ تعهد حقوقی الزام‌آور مستقیمی برای شرکت‌ها ایجاد نکرده است. در سند ۲۰۰۸ بیان شده است که شرکت‌ها مسئولیت دارند تا به حقوق بشر احترام بگذارند، با این حال شرکت‌ها تعهدهای حقوقی الزام‌آوری در این زمینه ندارند و هر مسئولیتی ناشی از انتظارات اجتماعی^۱ است و ریشه در حقوق ندارد. بر این اساس «عدم رعایت این مسئولیت، موجب می‌شود شرکت‌ها در برابر نظرات عمومی قرار بگیرند و ممکن است گاه‌گاه در دادگاه‌ها محاکمه بشوند» و بر این اساس «دامنه مسئولیت به احترام بر اساس انتظارات عمومی تعریف می‌شود» (Ruggie, 2008: para. 54). در حقیقت، معاهدات حقوق بشری به صورت عمومی تعهدهای حقوقی مستقیمی بر شرکت‌ها ایجاد نمی‌کند؛ بنابراین مسئولیت حقوقی و الزام حقوقی در نقض حقوق بشر توسط شرکت‌ها در گستره وسیعی توسط قوانین ملی تعریف می‌شوند (OHCHR, 2012: 10).

در این خصوص حتی تلاش‌هایی که برای ایجاد قواعد الزام‌آور برای شرکت‌ها صورت گرفت با شکست روبرو شدند. در مهم‌ترین اقدام، در آگوست سال ۲۰۰۳، کمیسیون فرعی سازمان ملل در موضوع ترقی و حمایت از حقوق بشر، پیش‌نویس قواعد مسئولیت شرکت‌های فراملی و دیگر نهادهای تجاری را تصویب کرد.^۲ این قواعد در آوریل سال ۲۰۰۴ توسط شورای حقوق بشر مورد توجه قرار گرفت و از کمیسیون فرعی برای کاری که انجام داده تقدیر به عمل آمد. پاراگراف ۱۸ این سند بیان

1. Social Expectations

2. Norms on the responsibilities of transnational corporations and other business enterprises with regard to human rights.

می‌دارد: «شرکت‌های فراملی و دیگر شرکت‌ها می‌بایست جبران خسارت فوری، کافی و مؤثر برای افراد، نهادها و جوامعی که به دلیل نقص این نرم‌ها متحمل شده‌اند فراهم آورند...» ولی به این دلیل که این قواعد، به صورت مستقیم تعهدهای الزام‌آوری را در حقوق بین‌الملل بشر برای شرکت‌ها اعمال می‌کرد با مخالفت خود شرکت‌ها و گروه‌های وکالتی روبرو شد و شورای حقوق بشر را به این سمت برد که این قواعد را تصویب نکند (Commission on Human Rights, 2004: 333, para (c)). در اقدامی دیگر، در سپتامبر ۲۰۱۳، دولت اکوادور تشکیل کارگروهی را برای بررسی یک سند معاهده‌ای در چارچوب سازمان ملل در شورای حقوق بشر مطرح کرد. قطعنامه ۲۶/۹ اکوادور در تأسیس این کارگروه بین‌دولتی در بیست و ششمین نشست شورای حقوق بشر در سال ۲۰۱۴ مطرح شد و مورد تصویب قرار گرفت. هدف این قطعنامه «ایجاد یک سند الزام‌آور حقوقی برای تنظیم فعالیت‌های شرکت‌های فراملی و دیگر شرکت‌ها بود». با این حال همه اعضای کشورهای صنعتی با آن مخالفت کردند (Commission on Human Rights, 2014). چنانچه مشهود است، اگرچه مسئولیت شرکت‌های فراملی در نظام حقوق بین‌الملل اهمیت زیادی دارد، ولی در حال حاضر امید اصلی جبران خسارت نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی از طریق نظام‌های حقوقی داخلی در جریان است. همچنین، می‌بایست این نکته را مورد توجه قرار داد که اگرچه شرکت‌های فراملی جنبه بین‌المللی دارند ولی آن‌ها اساساً از جنبه داخلی مهمی برخوردارند و تحت قوانین کشورهای می‌باشند که در آنجا فعالیت می‌کنند و لذا در صورت ایراد خسارت، جبران آن در قالب قوانین داخلی است.

۳. تعهدهای مثبت دولت‌ها در حمایت از حقوق بشر و لزوم جبران خسارت

از طرف دیگر، ممکن است این استدلال مطرح شود که به صورت طبیعی همه‌ی خسارات قابل جبران نیستند و مفهوم جبران خسارت مطلق وجود ندارد و لذا به صورت طبیعی امکان جبران خسارت بخشی از خسارت‌های صورت گرفته توسط شرکت‌های فراملی به دلیل ابهام در خسارت یا ابهام در فعل زیان‌بار یا ابهام در رابطه سببیت در قالب مسئولیت مدنی وجود ندارد و این موضوع تعارضی با ساختار سنتی آن ندارد. اگرچه ممکن است در روابط میان اشخاص این استدلال که جبران خسارت مطلق ممکن نیست: صادق باشد ولی ضعف ساختاری قواعد مسئولیت مدنی در ارتباط با پیچیدگی شرکت‌های فراملی، نمی‌تواند بهانه‌ای برای فرار آن‌ها از مسئولیت جبران خسارت باشد. حق اشخاص به جبران خسارت^۱ یکی از حقوق بنیادین آن‌ها در حقوق بین‌الملل بشر است و دولت‌ها نیز متعهد به حمایت از آن هستند. پس از پایان جنگ جهانی توجه به حق جبران خسارت در نقض حقوق بشر به صورت چشمگیری توسعه یافت و اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید در ماده ۸ خود به صراحت بیان کرد: «هرکسی از حق جبران خسارت مؤثر در برابر نقض حقوق اولیه‌اش که قوانین اساسی یا قوانین عادی به او ارزانی داشته‌اند، در دادگاه‌های صالح ملی برخوردار است» (United Nations General Assembly, 1948: Article 8). این موضوع به تدریج در سایر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مطرح شد^۲ به صورتی که می‌توان عنوان

1. Right to an effective remedy

۲. در این میان می‌توان به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ در تکلیف دولت‌ها برای تضمین جبران خسارت مؤثر (بند ۳ ماده ۲) و جبران خسارت برای بازداشت غیرقانونی (بند ۵ ماده ۹) و یا اشتباهات قضایی (بند ۶ ماده ۱۴) اشاره کرد. همچنین در سایر اسناد بین‌المللی به صورت ویژه برای گروه‌های خاص نیز حق جبران خسارت مورد توجه قرار گرفته که می‌توان به ماده ۶ کنوانسیون بین‌المللی حذف تمامی اشکال تبعیض نژادی، در حق افراد برای مطالبه غرامت و جبران عادلانه در اثر اعمال تبعیض‌های نژادی، ماده ۱۴ کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه در مورد خسارت‌های ناشی از شکنجه، بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از همه افراد در برابر ناپدید شدن اجباری، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها و کنوانسیون (شماره ۱۶۹) مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۹ سازمان بین‌المللی کار درباره مردمان بومی و قبیله‌ای در

کرد همه اسناد و ساختارهای سازمانی سازمان ملل متحد اعم از اسناد الزام‌آور و غیرالزام‌آور و همچنین کمیته‌های تخصصی آن، بر حق جبران خسارت برای زیان دیدگان نقض‌های حقوق بشری تأکید کرده‌اند و تنها نوع و میزان جبران خسارت بسته به ماهیت خسارات ایجادشده و نیازهای زیان دیدگان متفاوت مطرح‌شده است (Shelton, 2015: 119).

از طرف دیگر، دولت‌ها نیز بر اساس تعهدهای خود در حمایت از حقوق بشر، می‌بایست از این حق حمایت کنند و ضعف ساختارهای حقوقی آن‌ها یکی از موارد عدم ایفای این تعهد برای دولت‌هاست که می‌توانند به خاطر آن مسئولیت بین‌المللی پیدا کنند. لذا، یکی از مهم‌ترین تعهدهای دولت‌ها در زمینه حقوق بشر، پیاده‌سازی قواعد حقوق بشری در نظام حقوقی داخلی است (Monnheimer, 2021: 56). در این خصوص بند ۲ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می‌دارد: «هر دولت طرف این میثاق متعهد می‌شود که بر طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این میثاق اقدام‌هایی در زمینه اتخاذ تدابیر قانون‌گذاری و غیر آن به منظور تنفیذ حقوق شناخته‌شده در این میثاق که قبلاً به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر لازم‌الاجرا نشده است به عمل آورد.» (UN General Assembly, 1966 : Article 2(2))؛ بنابراین، ناسازگاری یا ضعف ساختاری نظام داخلی نمی‌تواند مانعی برای عدم جبران خسارت نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی باشد و دولت‌ها مسئولیت بین‌المللی دارند تا حد ممکن شرایط پرداخت جبران خسارت را فراهم آورند. در این رابطه، سند

کشورهای مستقل اشاره کرد. در حقوق بین‌المللی بشردوستانه نیز مقرراتی در موضوع حق زیان‌دیدگان مخاصمات مسلحانه برای جبران خسارت شناخته شده است که می‌توان به ماده ۳ کنوانسیون لاهه در موضوع حقوق و عرف‌های جنگ در زمین مصوب ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷، ماده ۹۱ پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و مرتبط با حمایت از زیان دیدگان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (پروتکل اول) مصوب ۸ ژوئن ۱۹۷۷ و مواد ۶۸ و ۷۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اشاره کرد. در این میان در اسناد و معاهدات منطقه‌ای نیز این موضوع مورد اهمیت واقع شده است که ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق، ماده ۲۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد توجه هستند.

راهنمای تجارت و حقوق بشر ۲۰۱۱ به صراحت بیان می‌کند که به‌عنوان بخشی از تعهد به حمایت، دولت‌ها موظف‌اند تا اقدام‌های مناسبی از طریق ابزارهای حقوقی، قضایی، اداری انجام دهند تا زیان دیدگان نقض حقوق شرکت‌ها به جبران خسارت دسترسی داشته باشند. این سند اضافه می‌کند، مگر آنکه دولت‌ها اقدام به بازرسی و مجازات و جبران خسارت از زیان‌دیده بکنند، در غیر این صورت تعهد به حمایت ضعیف یا بی‌معنی خواهد بود (OHCHR, 2011: para 25)؛ بنابراین، ناسازگاری نظام مسئولیت مدنی سنتی با ساختارهای پیچیده‌ی شرکت‌های فراملی، از مواردی است که دولت‌ها می‌بایست در رفع آن با قانون‌گذاری مناسب اقدام کنند.

۴. مسئولیت مدنی در منطق فازی

چنانچه مطرح شد، نه می‌توان جبران خسارت را در عرصه بین‌المللی فراهم کرد و نه جبران نشدن خسارت، قابل توجیه است. از طرف دیگر، مسئولیت مدنی در قالب سنتی نیز، ظرفیت لازم برای برخورد با پیچیدگی‌های ساختاری شرکت‌های فراملی را ندارد. در این خصوص یک راه‌حل این است که دامنه مسئولیت مدنی را در یک منطق فازی گسترش دهیم تا همه انواع خسارت‌های ایجادشده توسط شرکت‌های فراملی بدون اینکه با مانع جدی روبرو بشود، در قالب مسئولیت مدنی قرار گیرد. در حقیقت، ساختار مسئولیت مدنی سنتی بر مبنای یک منطق دوجهی بنا شده است و به منظور حل ناسازگاری میان نظام سنتی مسئولیت مدنی با پیچیدگی‌های ساختاری شرکت‌های فراملی، ارکان آن را در یک منطق فازی گسترش دهیم.

از یک منظر، به نظر برخی از حقوقدانان فرانسه منطق حقوقی به دو نوع منطق دوجهی^۱ و منطق فازی^۲ قابل تقسیم است. در منطق سنتی دوجهی یک حقیقت می‌تواند یا درست و یا نادرست باشد و حالت سومی وجود ندارد. در صورتی که منطق

1. Logique Binaire
2. Logique Floue

فازی، اجازه انعطاف در تحلیل را می‌دهد. در این منطق، ارزش‌های یک حقیقت محدود به درست و یا نادرست نیستند و در یک محدوده‌ای از ارزش‌های ادامه‌دار شامل درست و غلط قرار دارند (Delmas-Marty, 2000: 771). به صورت کلی، بهره‌مندی از منطق فازی در حوزه علوم انسانی در مواردی است که با مفاهیم مبهم روبرو هستیم که ممکن است از دیدگاه‌های گوناگون، تعاریف متفاوتی برای آن متصور شود. عدم قطعیت در داده‌ها، به خوبی با اصول فازی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در حقوق نیز، عموماً با واژه‌هایی سروکار داریم که مطلق نبوده و دارای ابهام و عدم قطعیت هستند؛ بنابراین، بسیاری از واژگان حقوقی کیفیت مبهمی دارند و مناطق کاربری آن‌ها تا مناطق اطرافشان کشیده شده است؛ بنابراین کاربرد یک واژه دارای دامنه گسترده منجر به یک پاسخ بله و خیر مطلق نمی‌شود بلکه به نوعی درجه‌بندی شده و نسبی است (ابوزری، ۱۳۹۸: ۳۴).

بر این اساس در منطق فازی می‌توانیم بگوییم که نتایج کاملاً درست و یا کاملاً نادرست هستند ولی همچنین می‌توانیم بگوییم که نتایج نسبتاً درست و یا متمایل به حقیقت هستند (Delmas-Marty, 2000: 772). بر این اساس به‌عنوان مثال در یک منطق دوجویی گزاره به این صورت است که «خانه‌ای که صد متر از ساحل دورتر است» که بیانگر این حقیقت است اگر خانه‌ای در فاصله صد متری از ساحل باشد، مصداق این گزاره است ولی سایر خانه‌ها حتی خانه‌ای که در فاصله ۹۹ متری است شامل آن نمی‌شود. از طرف دیگر، در منطق فازی، دامنه‌ای برای حقیقت تعریف می‌شود و لذا در مورد این مثال گزاره به این صورت است که «خانه‌ای که از ساحل تا فاصله صد متری قرار دارد.» در این تعریف، یک دامنه‌ای به فاصله‌ی صد متر تعریف شده که همه خانه‌های این محدوده را شامل می‌شود و حد آستانه‌ای برای آن مشخص شده که اگر از آن بالاتر رفت دیگر شامل این گزاره نمی‌شود (Delmas-Marty, 2000: 771-772).

مسئولیت مدنی در قالب سستی بر اساس یک منطق دوجویی قابل تحلیل است. به این صورت که گزاره‌های مرتبط با ارکان مسئولیت مدنی به صورت دوجویی است. بر این اساس سه رکن مسئولیت مدنی، به‌عنوان مثال به گزاره‌های زیر قابل تأمل است. در

حقیقت مسئولیت مدنی در صورتی محقق است که: «ضرر مستقیم باشد». «فعل زیان‌بار مشخصی موجب ضرر شده باشد.» «فاعل فعل زیان‌بار مرتکب تقصیر شده باشد.» «بین ضرر و فعل زیان‌بار رابطه سببیت مشخصی وجود داشته باشد». همه این گزاره‌ها از یک منطق دوجهی پیروی می‌کند که یا گزاره صحیح است یا نیست، اگر صحیح است مسئولیت مدنی محقق و اگر نیست نمی‌توان به مسئولیت مدنی استناد کرد. بر این اساس، یا ضرر مستقیم هست یا نیست. در مورد افعال زیان‌بار نیز یا فعل زیان‌بار مشخصی وجود دارد یا خیر و یا فاعل فعل زیان‌بار مرتکب تقصیر شده است یا نشده است. در این گزاره نیز منطق دوجهی آن بیانگر ایجاد مسئولیت مدنی فقط در حالتی است که تقصیر ثابت شده باشد.^۱ همچنین در مورد رابطه سببیت نیز گزاره دوجهی آن به این صورت است که «بین ضرر و فعل زیان‌بار رابطه سببیت مشخصی وجود دارد یا ندارد». بر این اساس فرد در صورتی مسئولیت مدنی برای جبران خسارت پیدا می‌کند که رابطه سببیت مشخصی اثبات شود. در منطق دوجهی، راه‌حل سومی برای ایجاد مسئولیت مدنی وجود ندارد و همه گزاره‌های ذکر شده در بالا می‌بایست به درستی محقق شوند و در صورت نادرستی یک گزاره، نمی‌توان به ایجاد مسئولیت مدنی رأی داد.

همان‌طور که بیان شد، در مورد شرکت‌های فراملی به دلیل پیچیدگی ساختاری آن، حجم فعالیت و گستره تأثیرگذاری بر افراد زیاد، در دامنه زمانی نامشخص، پیدا کردن جواب مثبت برای این گزاره‌های دوجهی را با چالش‌های جدی روبرو می‌کند و لذا بخش قابل‌توجهی از خسارات را نمی‌توان در قالب منطق دوجهی قرار داد. به‌عنوان مثال در صورتی که فعالیت یک شرکت فراملی در زمینه خرده‌فروشی، باعث آسیب جدی به کسب‌وکارهای محلی بشود و در نتیجه آن زندگی مردم منطقه با اختلال جدی روبرو شود و پیامدش این باشد که خانواده‌های فقیر، کودکان خود را از تحصیل محروم کنند،

۱. البته در چارچوب مسئولیت مدنی بدون تقصیر نیز پذیرفته شده است که استثنا بر قاعده عمومی است، با این حال نکته نظر نگارنده این مقاله بر ماهیت دوجهی موضوع است.

اکثر این خسارات به دلیل غیرمستقیم بودن، در قالب مسئولیت مدنی سستی جای نمی‌گیرند.^۱

۵. برقراری مسئولیت مدنی در منطق فازی

چنانچه بیان شد، به دلیل حجم و گستره عظیم و پیچیده فعالیت شرکت‌های فراملی، ارکان مسئولیت مدنی اعم از ضرر، فعل زیان‌بار و نیز رابطه سببیت در مورد شرکت‌های فراملی می‌تواند حداقل در بخش مهمی مبهم و غیرمستقیم باشد. این موضوع، در صورتی است که تنها ضررهای معین و مستقیم با فعل زیان‌بار و رابطه سببیت مشخص می‌تواند منجر به برقراری مسئولیت مدنی بشود؛ بنابراین، همانطور که در تصویر شماره ۱ مشخص است، میان فعالیت‌های زیان‌بار شرکت‌های فراملی و ضررهایی که منجر به برقراری مسئولیت مدنی کلاسیک می‌شوند، یک نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است.

همان‌طور که مطرح شد، لزوم جبران خسارت از قربانی در حقوق بین‌المللی بشر اصل اساسی است و لذا ضررهای مبهم و غیرمستقیم شرکت‌های فراملی نمی‌توانند بدون جبران باقی بمانند؛ بنابراین، گسترش دامنه مسئولیت مدنی کلاسیک در منطق فازی می‌تواند برای سایر فعالیت‌های زیان‌بار شرکت‌های فراملی نیز مسئولیت مدنی به جبران خسارت برقرار سازد.

۱. می‌بایست در اینجا به این نکته توجه کرد که ماهیت فعالیت پیچیده شرکت‌های فراملی می‌تواند چنین زنجیره آسیب‌ها را به وجود آورد و به صورت عادی در روابط میان افراد، چنین پیچیدگی وجود ندارد و لذا مسئولیت مدنی دوجویی تا حد ممکن در روابط افراد کارآمد است.



تصویر ۱. نسبت دامنه مسئولیت مدنی کلاسیک و دامنه فعالیت شرکت‌های فراملی

در پاسخ به این سؤال که چرا برای حل این مسئله منطق فازی اهمیت پیدا می‌کند، ذکر این نکته قابل توجه است که منطق فازی، اساساً برای تحلیل و استدلال در خصوص مفاهیم مبهم و نامشخص به وجود آمده است و در اینجا نیز، مسئله مورد بحث، معطوف به مواردی است که تمامی ارکان مسئولیت مدنی به صورت مبهم و نامشخص مطرح می‌شوند. در حقیقت، تئوری فازی منجر به انعطاف در تحلیل می‌شود، در صورتی که در منطق دوجهی کلاسیک، یک استدلال جزم درست یا غلط وجود دارد که برای آن، گزینه سومی مطرح نمی‌شود.

در این خصوص، به منظور روشن‌تر شدن تفاوت بررسی مسئولیت مدنی در منطق دوجهی کلاسیک و منطق فازی، دو عبارت مرتبط با هر دو منطق مشخص می‌شوند. در منطق دوجهی کلاسیک، عبارت «مسئولیت مدنی در مورد خسارات مشخص و مستقیم شرکت‌های فراملی برقرار می‌شود» به عنوان یکی از ارکان مهم آن مورد توجه است. در منطق فازی عبارت «مسئولیت مدنی در مورد خسارت ناشی از افعال زیانبار شرکت‌های فراملی برقرار می‌شود» مورد توجه است که می‌تواند ناظر بر خسارت مشخص و مستقیم و همچنین غیر آن نیز باشد. در این خصوص، در مورد عبارت

«مسئولیت مدنی در مورد خسارات مشخص و مستقیم شرکت‌های فراملی برقرار می‌شود» پاسخ آن ناظر به دو گزینه درست یا غلط است که آیا خسارت مستقیم و مشخص بوده است یا خیر؟ در منطق فازی، عبارت «مسئولیت مدنی در مورد خسارت ناشی از افعال زیان‌بار شرکت‌های فراملی برقرار می‌شود» مطرح می‌شود که پاسخ‌های مرتبط با آن، بستگی به هر مورد می‌تواند «کاملاً درست» و «کاملاً غلط» و همچنین «نسبتاً درست» یا «نسبتاً غلط» باشد؛ بنابراین، پاسخ‌های مرتبط با این عبارت، در صورتی غلط هستند که از گزینه درست فاصله زیادی داشته باشند.

در حقیقت، در منطق فازی، درست بودن یک گزاره، به صورت درجه‌بندی تعریف می‌شود و درست و نادرست بودن آن محدود به صفر (به معنای نادرست) و یک (به معنای درست) نیست. بلکه، درستی یا نادرستی گزینه‌ها در یک محدوده‌ای از ارزش‌های دنباله‌دار بین صفر (کاملاً غلط) تا یک (کاملاً درست) تعریف می‌شوند (Delmas-Marty, 2000: 773). این تحلیل در طرح‌های شماتیک زیر مشخص‌تر می‌شود.

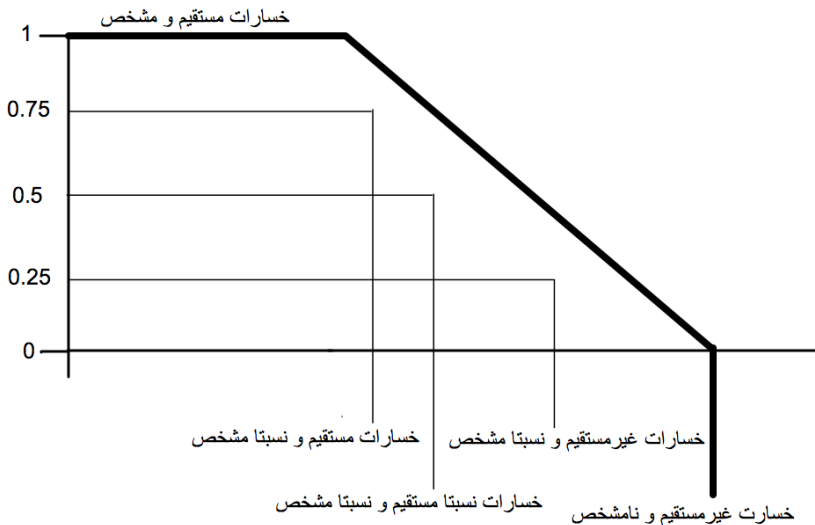


تصویر ۲. طرح شماتیک درجه‌بندی ارزش‌ها در منطق دووجهی

در تصویر شماره ۲، در مورد عبارت «مسئولیت مدنی در مورد خسارات مشخص و مستقیم شرکت‌های فراملی برقرار می‌شود»، تنها خسارات مستقیم و مشخص داخل در

محدوده گزینه درست (یک) قرار می‌گیرند و سایر افعال زیان‌بار در محدوده نادرست (صفر) قرار دارند.

در مورد عبارت دوم ناظر بر «مسئولیت مدنی در مورد خسارت ناشی از افعال زیان‌بار شرکت‌های فراملی برقرار می‌شود»، تمامی خسارات می‌تواند در یک محدوده‌ای میان صفر و یک به صورت کاملاً درست یا کاملاً غلط قرار گیرند. این موضوع در تصویر شماره ۳ مشخص‌تر است.



تصویر ۳. طرح شماتیک درجه‌بندی ارزش‌ها در منطق فازی

در اینجا، خسارات مستقیم و مشخص در محدوده ارزش یک قرار دارند و لذا کاملاً درست هستند. در مورد خسارات مستقیم و نسبتاً مشخص، به محدوده کاملاً درست نزدیک است و می‌تواند معادل (۰.۷۵) به معنای درست یا تقریباً درست ارزش‌گذاری شوند. به همین ترتیب در مورد خسارات نسبتاً مستقیم و نسبتاً مشخص نیز همچنان خسارات ناشی از افعال زیان‌بار شرکت‌های فراملی تلقی می‌شوند و لذا تا ارزش‌گذاری (۰.۵) نسبتاً درست هستند. در مورد خسارات غیرمستقیم و نسبتاً مشخص نیز همچنان

تا حدودی به محدوده درست نزدیک هستند و لذا می‌توانند تا حدی درست و یا تا حدی نادرست باشند که بستگی به هر مورد قابل بررسی است. با این حال در مورد خسارات غیرمستقیم و غیرمشخص، نتایج کاملاً در محدوده غلط قرار دارند و لذا کاملاً نادرست می‌باشند.

در اینجا می‌بایست یک حد آستانه پذیرش^۱ معین شود تا مشخص کرد خسارات ناشی از افعال زیان‌بار شرکت‌های فراملی تا چه میزان می‌توانند در دامنه مسئولیت مدنی قرار گیرند (Delmas-Marty, 2000: 774). در این خصوص، به‌عنوان مثال حد آستانه پذیرش را می‌توان در محدوده خسارات نسبتاً مستقیم و نسبتاً مشخص و یا تا محدوده خسارات غیرمستقیم و نسبتاً مشخص گسترش داد.

در این خصوص، در مورد افعال زیان‌بار مشخص نیز، به دلیل اینکه فعالیت‌های گسترده‌ای توسط شرکت‌های فراملی صورت می‌گیرد و مشخص کردن اینکه خسارت دقیقاً در نتیجه کدام فعل شرکت صورت گرفته، با چالش جدی روبرو است، می‌توان دامنه آن را به این صورت تعریف کرد که «خسارت در نتیجه فعالیت کلی شرکت صورت گرفته است»؛ بنابراین، دامنه تعریف شده، از نقطه یک که شامل افعال زیان‌بار مشخص اعم از فعل شخصی یا فعل شیء یا ... است شروع می‌شود و تا حد آستانه آن که فعالیت کلی شرکت است ادامه می‌یابد. بر این اساس، اگر حتی نتوان آسیب وارد شده را به یک فعل مشخصی از شرکت فراملی مرتبط کرد، همین‌قدر که فعالیت کلی شرکت موجب خسارت شده است، می‌تواند برای برقراری مسئولیت مدنی کفایت می‌کند.

در منطق فازی، رابطه سببیت نیز، به دلیل پیچیدگی ساختار شرکت فراملی و اسباب و علل متفاوت و متعدد مرتبط با آن می‌تواند به این صورت تعریف بشود که «عرفاً بتوان خسارت را منتسب به فعالیت‌های شرکت کرد.» بنابراین، حد آستانه تعریف شده، از یک رابطه‌ی سببیت مشخص تا یک انتساب عرفی گسترش می‌یابد؛ بنابراین، در یک منطق فازی، دامنه گسترده‌ای برای خسارت، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت تعریف

1. un seuil d'acceptabilité

می‌شود که به صورت کلی می‌توان چنین هدفی را از آن استنتاج کرد که اگر به دلیل حضور یک شرکت فراملی، به افراد آسیب وارد شود، این خسارت و آسیب قابل مطالبه است حتی اگر نتوان ضرر مستقیم، با تقصیر، در نتیجه یک فعل مشخص زیان‌بار و وجود یک رابطه سببیت مشخص را برای آن اثبات کرد.

۶. نقد نظریه مسئولیت مدنی در منطق فازی

اگرچه شاید گسترش مسئولیت مدنی در منطق فازی می‌توانست همه خسارت‌های مرتبط با فعالیت شرکت‌های فراملی را در قالب مسئولیت مدنی قرار دهد ولی خود این نظریه با چالش‌ها و ایرادهای جدی روبرو است. در حقیقت، شکستن ساختار سنتی مسئولیت مدنی، می‌تواند موجب از دست رفتن ماهیت اصلی آن بشود؛ به عبارت دیگر، اگر دامنه مسئولیت مدنی را در ارکان تعریف‌شده آن گسترش بدهیم، در حقیقت نظام اصلی آن از بین می‌رود و ما با پدیده‌ای خارج از مسئولیت مدنی روبرو هستیم که نمی‌توان آن را مسئولیت مدنی نامید. از یک طرف، گسترش دامنه ضرر به خسارات غیرمستقیم، می‌تواند دامنه این خسارات را تا بی‌نهایت ادامه دهد.^۱ از طرف دیگر، در مورد رابطه سببیت، گسترش آن، به اسباب نامشخص، می‌تواند اسبابی را دخیل در مسئولیت کند که مرتبط با شرکت و فعالیت‌های آن نباشد. به‌عنوان مثال، در موردی که شخصی دارویی از شرکتی می‌خرد و بعد از مدتی آن را به دوستش می‌دهد و وی با مصرف آن، مبتلا به بیماری واگیرداری شده و بعد منطقه‌ای را آلوده می‌کند، ممکن

۱. به‌عنوان مثال، به دلیل فعالیت شرکت فراملی، کار بومی پدری تعطیل شده و پسرش از تحصیل محروم شده است. از طرف دیگر، پسر، به دلیل نداشتن تحصیلات بالا نتوانسته با خانم موردنظر ازدواج کند. با شخصی ازدواج کرده که با هم تفاهم نداشته‌اند و طلاق گرفته‌اند. فرزندان طلاق در جامعه رها شده و اتومبیل همسایه را آتش زده‌اند. همسایه نتوانسته سر قرار برود و سود کلانی از دست داده و همه این خسارات، می‌توانست اتفاق نیفتد اگر شرکت فراملی در آن منطقه، اقدام به فعالیتی نمی‌کرد. به عبارت دقیق‌تر، سببیتی که میان این خسارات و فعالیت شرکت وجود دارد، سببیت مادی و نه حقوقی است.

است بیماری به جهت حساسیت و واکنش بدن وی باشد و ارتباطی با دارو یا نحوه تولید یا توزیع یا مصرف آن نداشته باشد. علاوه بر آن، اگر چارچوب مسئولیت مدنی تا حدی توسعه یابد که هر نوع خسارتی را بتوان بر عهده شرکت فراملی دانست، با این منطق کدام سرمایه‌داران عاقلی اقدام به تأسیس شرکت می‌کنند؟ تجربه شکست نظریه خطر همین بود. همه انزوا را بر داشتن فعالیتی با این ضمان گسترده ترجیح می‌دادند؛ بنابراین، برای حل ناسازگاری میان مسئولیت مدنی سنتی و ساختار پیچیده شرکت‌های فراملی، راه‌حل دیگر، ایجاد یک نظام جبران خسارت فراتر از مسئولیت مدنی است.

۷. جبران خسارت فراتر از مسئولیت مدنی

چنانچه بیان شد، نظام سنتی مسئولیت مدنی با ساختار پیچیده شرکت‌های فراملی ناسازگار است و اگر نتوان دامنه ارکان مسئولیت مدنی را در یک منطق فازی گسترش داد، زیان‌دیدگان نقض حقوق توسط شرکت‌های فراملی حداقل در بخشی، به دلیل ضعف ساختاری قواعد داخلی، بدون جبران خسارت باقی می‌مانند. در این خصوص، یک راه دیگر این است که موضوع را در نظامی از جبران خسارت فراتر از مسئولیت مدنی پیدا کنیم؛ به عبارت دیگر، به جای اینکه در قالب مسئولیت مدنی به دنبال جبران خسارت باشیم، حق جبران خسارت زیان‌دیدگان را در یک نظام جبران خسارت دیگری بررسی کنیم؛ مانند طراحی یک رشته جدید، مانند «حقوق حوادث» (Lienhard, 1995: 91) یا ایجاد صندوق‌های تأمین خسارت که در فرانسه برای موارد متعدد پیش‌بینی شده است (Légier, 2008: 110 et Delebecque, Jerome Pansier, 2008: 8)؛ اما بهتر از همه جمع‌کردن جبران (یزدانیان، ۱۳۹۲، ۲۰۳ به بعد) و طراحی مسئولیتی برای دولت‌هاست. همچنان که به زعم اندیشمندان فرانسوی امروزه جبران برخی از خسارات را دولت‌ها متقبل شده‌اند. (Toulet, 2001: 346)

نظام جبران خسارت خارج از مسئولیت مدنی می‌تواند نظامی دولت‌محور باشد. در حقیقت، می‌توان خود دولت را به دلیل مسئولیت بین‌المللی آن در حمایت از حقوق

بشر، مسئول پرداخت خسارت‌های جبران‌نشده دانست. چنانچه بیان شد، دولت‌ها، خود فاعل فعل زیان‌بار نیستند و لذا از این جهت مسئولیتی در قبال جبران خسارت‌های ایجادشده توسط شرکت‌های فراملی ندارند ولی تعهدهای آن‌ها در حمایت از حقوق بشر^۱ موجب می‌شود، در موضوع جبران خسارت نقض حقوق بشر توسط این شرکت‌ها مسئولیت پیدا کنند. بررسی گزارش‌های نهادهای معاهدات^۲ که مسئول اصلی نظارت بر پیاده‌سازی معاهدات حقوق بشری هستند، نشان می‌دهد که این نهادها در مورد فعالیت شرکت‌ها، بر تعهد دولت‌ها در حمایت در برابر مداخلات اشخاص ثالث تمرکز دارند. این نهادها تعهد دولت‌ها به حمایت در برابر نقض حقوق بشر را بخشی از تعهد به تضمین بهره‌مندی از حقوق می‌دانند. در حقیقت، دولت‌ها تعهدهای مثبتی دارند تا از مداخله شخص ثالث در بهره‌مندی از حقوق جلوگیری و عاملان آن‌ها را مجازات کنند. عدم رعایت این تعهدها ممکن است به نقض معاهده حقوق بشر تعبیر و در نتیجه برای دولت مسئولیت بین‌المللی ایجاد کند (Ruggie, 2007: Para.7)؛ به عبارت دیگر دولت نه از این جهت که مشارکت یا سهمی در نقض حقوق توسط شرکت‌ها داشته است، بلکه از جهت اینکه تعهد به حمایت در برابر نقض حقوق بشر دارد، مسئولیت پیدا می‌کند. بررسی معاهدات و توضیحات و رویه قضایی نهادهای معاهدات، نشان می‌دهد که تعهد به حمایت شامل پیشگیری از شرکت‌ها برای نقض حقوق، انجام اقدام‌های به منظور مجازات کردن آن‌ها و فراهم کردن جبران خسارت برای قربانیان است (Ruggie, 2007: Para.7).

در اسناد بین‌المللی، این موضوع به صراحت عنوان شده است که دولت‌ها می‌بایست جبران خسارت را تضمین کنند. این تضمین همچنین به این معنا است که در جایی که نظام داخلی به دلیل نقص‌ها و موانع نمی‌تواند به خوبی جبران خسارت مؤثری به زیان‌دیده ارائه دهد، دولت‌ها همچنان این وظیفه را دارند تا تضمین کنند که جبران

-
1. Duty to Protect
 2. Treaty bodies

خسارت به انحاء دیگری فراهم می‌شود و لذا زیان‌دیده بدون جبران باقی نمی‌ماند. این موضوع اهمیت زیادی دارد، زیرا حمایت از زیان‌دیدگان می‌بایست در نهایت به جبران خسارت آن‌ها منجر شود و همه تلاش‌ها منعطف به این موضوع است و اگر به هر دلیلی این جبران خسارت از طریق ساختار قضایی و از عامل ضرر یعنی شرکت‌های فراملی صورت نگیرد، به هر حال فرد زیان‌دیده نمی‌بایست بدون خسارت جبران‌شده باقی گذاشته شود. در این خصوص بند شانزدهم اعلامیه اصول و رهنمودهای اساسی درباره حق دادخواهی و جبران خسارت در نقض فاحش حقوق بشر بیان می‌دارد: «در صورتی که طرف‌های مسئول برای آسیب وارده قادر یا مایل به اجرای تعهدهای خود نباشند، کشورها باید بکوشند برنامه‌های ملی برای پرداخت غرامت و کمک‌های دیگر به قربانیان تدوین کنند» (UN General Assembly, 2005: Para. 16). همچنان، بند ۱۲ اعلامیه اصول اساسی عدالت برای زیان‌دیدگان جنایت و سوءاستفاده از قدرت بیان می‌دارد: «هنگامی که پرداخت غرامت از مجرم یا دیگر منابع به صورت کامل امکان‌پذیر نیست، دولت‌ها می‌بایست تلاش کنند تا غرامت مالی را فراهم کنند» (UN General Assembly, 1985: Article 12).

در نظام داخلی ایران مانند سایر نظام‌های حقوقی در موضوع جبران خسارت، اصل شخصی بودن مسئولیت حاکم است و افراد مسئولیتی نسبت به افعال زیان‌بار دیگران ندارند (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۲۳-۱۲۴) و عامل ورود ضرر مسئول جبران خسارت است و جبران خسارت توسط شخص ثالث امری استثنایی و خلاف قاعده است (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۲۰۷). با این حال، وجود استثناهایی نشان‌دهنده امکان سازوکارهای فراتر از مسئولیت مدنی برای جبران خسارت است. به عنوان مثال، در خصوص پرداخت جبران خسارت‌های جسمی، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد پرداخت دیه به صراحت عنوان شده است که هرگاه دسترسی به مرتکب ممکن نباشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

در این میان، لازم به ذکر است که شرکت‌های فراملی به دلیل ماهیت برون‌مرزی آن‌ها، عموماً با دو دولت ارتباط دارند که شامل دولت میزبان و دولت مادر است. در این خصوص، این سؤال مطرح است که در فرض اینکه دولت‌ها مسئولیت جبران خسارت داشته باشند، کدام دولت مسئولیت دارد؟ آیا جبران خسارت صرفاً بر عهده دولت میزبان است، به دلیل اینکه نقض حقوق بشر در محدوده سرزمینی این دولت صورت گرفته و یا دولت مادر شرکت‌های فراملی نیز که شرکت در این کشور ثبت شده و مقر اصلی شرکت در آنجا قرار دارد نیز مسئولیت فراهم کردن جبران خسارت برای قربانی را دارد. موضوع مسئولیت دولت‌های مادر در قالب مسئولیت فرامنطقه‌ای به خصوص در سال‌های اخیر مورد توجه نویسندگان و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. با این حال، اگرچه هنوز هیچ تعهد حقوقی مستقیمی برای شرکت‌های مادر در نظام حقوقی بین‌المللی ایجاد نشده است ولی هیچ معاهده حقوق بشری و یا نهادهای معاهدات نیز دولت‌ها را از انجام آن منع نکرده‌اند. از طرف دیگر، نهادهای معاهدات در موارد متعددی دولت‌های مادر را تشویق کرده‌اند که با رعایت شرایطی مانند عدم دخالت در امور داخلی دولت میزبان، اقدام‌های لازم را برای جبران خسارت قربانیان انجام دهند (OHCHR, 2011: para 84).

از طرف دیگر، شرکت‌های فراملی به دلیل قدرت، نفوذ و منافع اقتصادی که در انجام فعالیت‌های خود دارند، به صورت پیش‌فرض می‌توانند به‌عنوان جبران‌کننده خسارت‌های وارده مسئول شناخته شوند، حتی اگر در قالب مسئولیت مدنی نتوان مبنای مستحکمی برای آن پیدا کرد. در واقع، شرکت‌های فراملی به دلیل قدرت اقتصادی می‌توانند به راحتی خسارت‌های واردشده به افراد را به دلیل فعالیت‌های زیان‌بارشان پردازند و منطقاً لازم نیست که زیان‌دیدگان اقدام به اثبات وجود مسئولیت مدنی برای آن‌ها بکنند. نمونه این منطق را می‌توان در حقوق ژاپن ملاحظه کرد که خسارت را همواره شخص توانگر و غنی تحمل می‌کند و به عبارت دیگر، وضعیت اقتصادی می‌تواند توجیه‌کننده مسئولیت باشد (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۲۶۰). با این حال چنانچه بیان شد،

در نظام حقوقی بین‌المللی هنوز هیچ تعهد حقوقی مستقیم و الزام‌آوری برای شرکت‌ها برقرار نشده است. از طرف دیگر شرکت‌ها نیز خود اساساً در تلاش برای کسب منفعت و سود بیشتر تلاش می‌کنند تا خود را از مسئولیت مبرا کنند؛ بنابراین، برقراری مسئولیت بر مبنای فوق‌تا زمانی که یک ساختار حقوقی الزام‌آور برای آنچه در نظام داخلی و چه در نظام بین‌المللی ایجاد نشود، امکان‌پذیر نیست. با این حال، شرکت‌ها ممکن است به دلیل افزایش اعتبار خود به صورت داوطلبانه اقدام به جبران خسارت کنند که این اقدام‌ها مبنای اجتماعی و نه حقوقی دارد.

فرجام سخن

چارچوب مسئولیت مدنی اساساً و به صورت سنتی برای روابط میان اشخاص به وجود آمده و بهره‌مندی از آن برای جبران خسارت از افعال زیان‌بار شرکت‌های فراملی با چالش‌ها و موانع جدی روبرو است. در حقیقت ساختارهای پیچیده و نوظهور شرکت‌های فراملی به صورت طبیعی نمی‌توانند با نظام سنتی مسئولیت مدنی سازگاری قابل قبولی داشته باشند و لذا برقراری ارکان مسئولیت مدنی در خصوص فعالیت‌های شرکت‌های فراملی به راحتی امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، به صورت کلی، جبران خسارت از بخش قابل‌توجهی از ضررهایی که توسط شرکت‌های فراملی ایجاد می‌شود، به دلیل همین پیچیدگی‌های ساختاری در قالب مسئولیت مدنی سنتی قابل مطالبه نیست؛ به عبارت دیگر، هنگامی که صحبت از شرکت‌های فراملی و نقض حقوق بشر است، زیان‌دیدگانی وجود خواهند داشت که به دلیل مشخص نبودن ضرر مستقیم و مسلم و یا مشخص نبودن فعل زیان‌بار یا عدم پیدا کردن عامل تقصیر و یا رابطه سببیت درهم‌تنیده این شرکت‌ها، نمی‌توانند در نظام حقوقی داخلی به جبران خسارت مؤثر دسترسی یابند.

در این خصوص، امید به جبران خسارت در عرصه بین‌المللی نیز راه به جایی نمی‌برد، زیرا تمامی تلاش‌های صورت‌گرفته در نظام بین‌المللی برای مسئولیت

شرکت‌ها، در حقوق نرم و در چارچوب قواعد غیرالزام‌آور صورت گرفته است و تاکنون نظام بین‌المللی هیچ تعهد حقوقی الزام‌آور مستقیمی برای شرکت‌ها ایجاد نکرده است. از طرف دیگر، ضعف ساختاری قواعد مسئولیت مدنی در ارتباط با پیچیدگی شرکت‌های فراملی، نمی‌تواند بهانه‌ای برای فرار آن‌ها از مسئولیت جبران خسارت باشد و حق اشخاص به جبران خسارت یکی از حقوق بنیادین آن‌ها در حقوق بین‌الملل بشر است که دولت‌ها متعهد به حمایت از آن هستند و می‌بایست ساختارهای حقوقی مناسبی برای جبران خسارت مؤثر در نظام داخلی پیاده‌سازی کنند.

از طرف دیگر، اگرچه شاید گسترش مسئولیت مدنی در منطق فازی می‌توانست همه خسارت‌های مرتبط با فعالیت شرکت‌های فراملی را در قالب مسئولیت مدنی قرار دهد ولی خود این نظریه با چالش‌ها و ایرادهای جدی روبرو است. در حقیقت، شکستن ساختار سنتی مسئولیت مدنی می‌تواند موجب از دست رفتن ماهیت اصلی آن بشود. در حقیقت، گسترش دامنه ضرر به خسارات غیرمستقیم می‌تواند دامنه این خسارات را تا بی‌نهایت ادامه دهد. همچنین، در مورد رابطه سببیت، گسترش آن به اسباب نامشخص، می‌تواند اسبابی را دخیل در مسئولیت کند که مرتبط با شرکت و فعالیت‌های آن نباشد.

بنابراین، برای حل ناسازگاری میان مسئولیت مدنی سنتی و ساختار پیچیده شرکت‌های فراملی، می‌بایست به ایجاد یک نظام جبران خسارت فراتر از مسئولیت مدنی اندیشید. نظام جبران خسارت خارج از مسئولیت مدنی می‌تواند نظامی دولت‌محور باشد. در حقیقت، می‌توان خود دولت را به دلیل مسئولیت بین‌المللی آن در حمایت از حقوق بشر، مسئول پرداخت خسارت‌های جبران‌نشده دانست. همچنین، شرکت‌های فراملی به دلیل قدرت، نفوذ و منافع اقتصادی که در انجام فعالیت‌های خود دارند، به صورت پیش‌فرض می‌توانند به‌عنوان جبران‌کننده خسارت‌های وارده مسئول شناخته شوند، حتی اگر در قالب مسئولیت مدنی نتوان مبانی مستحکمی برای آن پیدا کرد.

منابع

الف. فارسی

- ابوذری، مهرنوش (۱۳۹۸) «نگرش فازی در حوزه سن مسئولیت کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۳، شماره ۱۰۸، صص ۱-۲۳.
- باریکلو، علی‌رضا (۱۳۸۵) مسئولیت مدنی، تهران: میزان.
- حسینی، هادی (۱۳۹۴) «مسئولیت تبعی دولت در جبران ضررهای بلا جبران وارده به شهروندان»، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، جلد ۸، شماره ۲۸، صص ۱۲۳-۱۶۶.
- دالوند، فضل‌الله (۱۳۸۶) تقسیم مسئولیت مدنی با رویکرد تطبیقی، اصفهان: دادیار، چاپ اول.
- دراب پور، مه‌راب (۱۳۸۷) مسئولیت‌های خارج از قرارداد: پرداخت خسارت، استرداد عین و امتیازات، تهران: مجلد.
- صالحی مازندرانی، محمد، ذاکری‌نیا، حانیه (۱۳۹۲) «شخصیت حقوقی شرکت‌های چندملیتی و آثار آن»، دوفصلنامه علمی حقوقی تطبیقی، دوره ۰، شماره ۲۴، بهار و تابستان، صص ۱۴۶-۱۶۱.
- صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۱) مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، قم: انتشارات سمت.
- قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۷) الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران: میزان، چاپ دوم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲) مسئولیت مدنی: الزامات خارج از قرارداد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶) الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، مسئولیت مدنی، غضب و استیفا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۶) حقوق مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تهران: میزان، جلد اول.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۲) «مطالعه تطبیقی اندیشه جمعی شدن مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه و ایران و آثار عملی آن بر نحوه جبران خسارت»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۳، شماره ۳، صص ۲۰۳-۲۲۱.

- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵) «قاعده تعیین مسئول جبران خسارت بر مبنای فعل زیان‌بار»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۸۰، شماره ۹۴، صص ۲۳۵-۲۵۸.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۶) «طرح قاعده مسئولیت مدنی ناشی از اشیا در حقوق ایران و فرانسه»، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۴۷، شماره ۲، صص ۳۷۹-۳۹۷.

ب. انگلیسی

- Bittle, S., Snider, L. (2013) "Examining the Ruggie Report: Can Voluntary Guidelines Tame Global Capitalism?", **Critical Criminology**, Springer, No. 21, pp. 177-192.
- Commission on Human Rights (2004) Report on the sixtieth session: 2004/116. Responsibilities of transnational corporations and related business enterprises with regard to human rights.
- Deva, Surya, Bilchitz, David (dirs.) (2013) **Human Rights Obligations of Business: Beyond the Corporate Responsibility to Respect?** Cambridge: Cambridge University Press.
- Global Justice Now (2016) "Controlling Corporations The case for a UN Treaty on Transnational Corporations and Human Rights". **Global Justice Now Publication**.
- Human Rights Council (2008) Clarifying the Concepts of "Sphere of influence" and "Complicity": Report of the Special Representative of the Secretary-General on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and other Business Enterprises, John Ruggie.
- Lustig, Doreen (2020) **Veiled Power, International Law and the Private Corporation**, 1886-1981, Oxford University Press.
- John G. Ruggie (2007) "State Responsibilities to Regulate and Adjudicate Corporate Activities under the United Nations' core Human Rights Treaties: Prepared for the mandate of the Special Representative of the United Nations Secretary-General (SRSG) on the issue of human rights and transnational corporations and other business enterprises", [s.l.]: **Kennedy School of Government and Harvard Law School**.
- John, Ruggie (2008) Protect, respect and remedy: a framework for business and human rights: report of the Special Representative of the Secretary-General on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises.

- NOLAN, Justine (2016) **Business and Human Rights in Context**, in Dorothee BAUMANN-PAULY et Justine NOLAN (dirs.), *Business and Human Rights: From Principles to Practice*, [s.l.]: Routledge.
- OHCHR (2012) *The corporate responsibility to respect human rights: an interpretive guide*.
- Record, Katherine L, and S Bryn Austin (2016) "Paris Thin": A Call to Regulate Life-Threatening Starvation of Runway Models in the US Fashion Industry." **American Journal of Public Health**, Vol. 106, No. 2, pp. 205–206.
- Shelton, Dinah (2015) **Remedies in International Human Rights Law**, Third edition, Oxford: Oxford University Press.
- Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights (2003) *Norms on the responsibilities of transnational corporations and other business enterprises with regard to human rights*.
- UN General Assembly (1966) *International Covenant on Civil and Political Rights*.
- UN Office of the High Commissioner for Human Rights (OHCHR) (2011) *Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations 'Protect, Respect and Remedy' Framework*.
- United Nations General Assembly (1984) *The Universal Declaration of Human Rights*.
- United Nations General Assembly (1985) *Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power*.
- United Nations General Assembly (2005) *Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law*.
- Weissbrodt, David (2017) **Business and Human Rights, in Human Rights and Corporations**, [s.l.]: Routledge.
- Wijesinghe, Prasadi (2018) "Environmental Pollution and Human Rights Violations by Multinational Corporations". Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3164142> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3164142>

ج. فرانسه

Conseil des Droits de l'homme (2014) Résolution 26/9 : Élaboration d'un instrument international juridiquement contraignant sur les sociétés transnationales et autres entreprises et les droits de l'homme.

- Delebecque, Philippe, Jerome pansier, Frederic (2008) **Droit des obligations**. 4é.éd. LexisNexis.
- Légier, Gérard (2008) **Droit civil. Les obligations**. 19é.éd. Dalloz.
- Lienhard. Claude (1995) **Pour un droit des catastrophes**. Recueil Dalloz.
- Mireille DELMAS-MARTY et Izorche MARIE-LAURE (2000) Marge nationale d'appréciation et internationalisation du droit. Réflexions sur la validité formelle d'un droit commun pluraliste , **Revue internationale de droit comparé**, vol. 52, no 4, Pp. 753-780.
- Monnheimer, Maria (2021) **Due diligence obligations in international human rights law**, Cambridge, United Kingdom; New York, NY: Cambridge University Press.
- Toulet, Valérie (2001) **Droit civil. Obligations. Responsabilité civile**. 1é.éd. Centre de publications universitaires.

